

معارف ایران

يك همت و هزار عبرت

مرقومه جالب دفت آقای امامقلی خان رئیس طوایف رستم در فارس

من یکی از مشترکین مجله مجله ایران‌شهر هستم که غالباً از نگارشات سودمند آن استفاده مینمایم. قبل از ذکر مقصود اصلی خود لزوماً فلسفه زندگی و نشو و نما و محل توقف خود را بیان مینمایم.

من رئیس یکی از تپلات و عشایر فارس هستم که نام قبیله و طایفه‌ام «رستم» میباشد و از استیفاء جمیع حقوق مدنی و انسانی محروم و بطرز ساده طبیعی احشامی زندگانی مینمایم، ولی فقط در دوره حیات خود چندین دفعه بداخله ایران مسافرت نموده و یقین کرده‌ام که ترقی و عمران هر مملکت و سیادت هر قوم بسته به بسط معارف آنها است و لا غیر. —

با درك این موضوع مقدس فعلاً در نقطه زندگانی مینمایم که اگر برای رفع تب‌گنه‌گنه استعمال کنم باعث تعجب اقارب و نزدیکان حتی مادر و خواهرم گردیده و میگویند: کسی که داروی فرنگی میخورد کافر است. یا اگر گاهی با صابون نظیف نمایم عبرت للناظرین و عملی محیرالقول است. —

اخیراً برای تربیت این قوم و قبیله بخیال تأسیس يك باب مدرسه مقدماتی اقدام که بلکه نوباوگان طایفه خود را بسرچشمه دانش و تعلیم سوق داده و طعم شیرین علم و ادب را بمذاق آنها آشنا نمایم، لیکن مقدرات با من ستیزه نمود و موفق نگردیدم. ولی با زحمات عمده برای اینکه اقلاً کوچکترین خدمتی

به‌ابناء طایفه خود نموده باشم و اندکی امر مهم تنظیف را در میان آنها مرسوم نمایم يك باب حمام بطرز ایرانی (برای اینکه بتوان غسل‌های واجب و مستحب را هم نمود) ترتیب داده‌ام و آنچه مردم طایفه رستم را دعوت به استحمام میکنم حاضر نشده و میگویند چون پدران ما حمام نداشته و نمی‌رفته‌اند ما هم نمیرویم و لازم نداریم. این اقدام هم عقیم و بلا نتیجه ماند.

اظهار مطالب فوق برای این بود که مرانب لاقیدی و طرز زندگانی يك جمعیت عمده از ملت نجیب ایران را تذکر داده باشم ولی علت عمده این لاقیدی مفرط و علاقه این مردم بدینا که قسمت مهمی از جمعیت مملکت ما (ایران) را تشکیل میدهند فرمایشات و نصایح و مواعظ آن روحانیین است که اغلب در هنایر، برادران و فرزندان دینی خود را مخاطب قرار داده و تفسیر احادیث «الدنيا سجن المؤمن و جنة الكافر» را با بیانات کافی وافی بکوش آنها میخوانند و آنها را در این دار فانی میهمان میدادند و میفرمایند شما در این عالم میهمان هستید و برای مؤمنین خداوند در بهشت عمارت، حور، غلمان، درخت طوبی، آب کوثر و لوازم تعیش حاضر ساخته و مهیا شده و البته شما مؤمنین و مؤمنات خالدین فیها میباشید و باید شما از حور و غلمان استفاده نمائید و تمام لوازم تعیش و زندگانی برای شما در آنجا مهیا و معین است.

چون ما هم فرمایشات آقایان را یقین داریم که راست است و مطمئن هستیم که در این دنیا میهمان هستیم و بدون هیچ زحمت و مشقتی برای ما در آن دنیا خانه ساخته‌اند و لوازم زندگانی را تمام مهیا نموده‌اند، این است که هر وقت نگارشات امروزی را که راجع به تفسیر وضعیت در صفحات جراید یا مجلات مشاهده

میکنیم افسانه می‌شمریم و قصه می‌خوانیم. انصافاً از آن دانشمند
تحریر سؤال میکنم که حق با ما است یا نه؟



جناب آقای امامقلی خان رئیس طایفه رستم در فارس که
مبلغ یازده لیره برای کمک بمخارج طبع «دانشتیبهای زنان
جوان» مرحمت کرده‌اند و ما هم قیمت کتابرا بجای شش
قران فقط پنج قران قرار داده‌ایم

در قسمت آزادی. آزادی بهترین حربۀ اشخاص امروزی است که عوام بیچاره و مردم سابق الذکر را بوسیله آن اغفال نموده و آن را با برخی جمله‌ها تزئین کرده و مقاصد خود را انجام می‌دهند و تحصیل معاش و مقام مینمایند.

گمان میکنم استعمال این کلمه «آزادی» با وضعیات فعلی مملکت منافات داشته باشد، زیرا کسی که باید موضوع آزادی را تعقیب و عملی نماید آقایان و کلا و وزراء و لیدرهای احزاب سیاسی و مقتدایان جامعه هستند و حال آنکه خود آن آقایان فهمیده‌اند و از آزادی حقیقی سوء استفاده مینمایند، زیرا که هر يك از طبقات مذکوره بتفاوت حال و مال صد هزار و پنجاه هزار الی دو سه هزار نفر بنده زر خرید دارند که از دست رنج عباد خود اعاشه و استرزاق میکنند و از نتیجه حمالی و فعلگی آنها دارای عمارات و پارک‌های عالی و فروش غالی و مبل و میز و صندلی و بالاخره تمام لوازم اشرافیت می‌شوند و اگر عباد و بندگان زر خرید آزاد شدند بدیهی است سیادت آقایان از میان می‌رود و نادانی پاره می‌شود، مشتشان باز میگردد و همه یکسان می‌شوند. با این حال واضح است هیچ فردی راضی به ضرر خود نخواهد شد و بدین مناسبت کلمه آزادی هم عملی و حقیقی نمیشود. بعقیده من که يك نفر صحرانشین هستم خوب است این عنوان را تغییر دهند و اسمی از آن نبرند و بجای کلمه آزادی امروزی کلمه دگر استعمال شود که مطابق با واقع باشد، زیرا تا در دنیا ملك فروشی رواج است و آدم فروشی معمول است و کسی هم که بنده زر خرید دگری شد، وجداناً موظف است حتی الامکان نراضی معبود خود را بعمل آورد و الا خیانت نموده و جنایت کرده و خواهی نخواهی مجازات خواهد شد و چون نسلاً بعد

نسلِ املاک بارت میماند، زر خرید هم نسلاً بعد نسل باو مربوط و توأم خواهد بود.

پس کلمه آزادی را استعمال کردن و مشتی از مردم ساده لوح بدبخت را گول زدن جز اغفال و کوش بری نتیجه‌د بر دارد یا نه؟ باری با اینکه در این سه چهار سال اخیر خسارت طاقت فرسای عمده به‌بنده وارد شده مع ذلك برای مساعدت به انتشارات ایران‌شهر چنانکه مقرر گردیده به‌وسیله آقا خلیل افتخارالتجار کازرونی وکیل اداره ایران‌شهر پانزده لیره تقد به‌اضمام یک ورقه عکس ناقابل خود را تقدیم میدارد و تمنا دارد که در طبع و نشر «دانستنیهای زنان جوان ترجمه ذبیح‌الله خان قربان» مساعی جمیله مبذول و عالم مطبوعات را مساعدت و بنده را از مطالعه آن بهره‌مند و ممنون فرمایند.

از ممسنی — اقل امامقلی رئیس طوایف رستم

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

عالم طب

تداوی روحی

بقلم آقای لطیف آقا حسین زاده ارومیه
بقیه از شماره قبل

حالا که به‌وجود قوه تصور یا تمیز باطنی چنانچه لازم است معرفت حاصل کردیم میخواهیم راه استعمال صحیح آن قوه را یاد بگیریم و میخواهیم ثابت کنیم که این قوه را نیز می‌شود مثل اسب وحشی و سیل مهیب خراب کننده رام و آرام کرد و استفاده‌های